

# 1. ستون‌های استوار تمدن آن نام ببرید

2. مردمان جنوب غرب فلات ایران با چه زبانی سخن می‌گفتند؟ زبان ایلامی
3. زبان رسمی و نوشتاری حکومت و تمدن ایلام چه بود؟ زبان ایلامی

## زبان، علم و آموزش

درس ۱۵

### تهیه و تنظیم کبری باکویی دبیر ناحیه 2 ساری

خط، زبان، علم و آموزش، ستون‌های استوار تمدن اند و نقش مهمی در انتقال میراث فرهنگی و تمدنی به نسل‌های بعد و ملت‌های دیگر دارند. در این درس، شما با بررسی وضعیت زبان، ادبیات و شیوه‌های تعلیم و تربیت در ایران باستان، تأثیر هر یک از این عناصر فرهنگی را بر شکوفایی تمدنی و تداوم تاریخی در آن دوره ارزیابی می‌کنید.

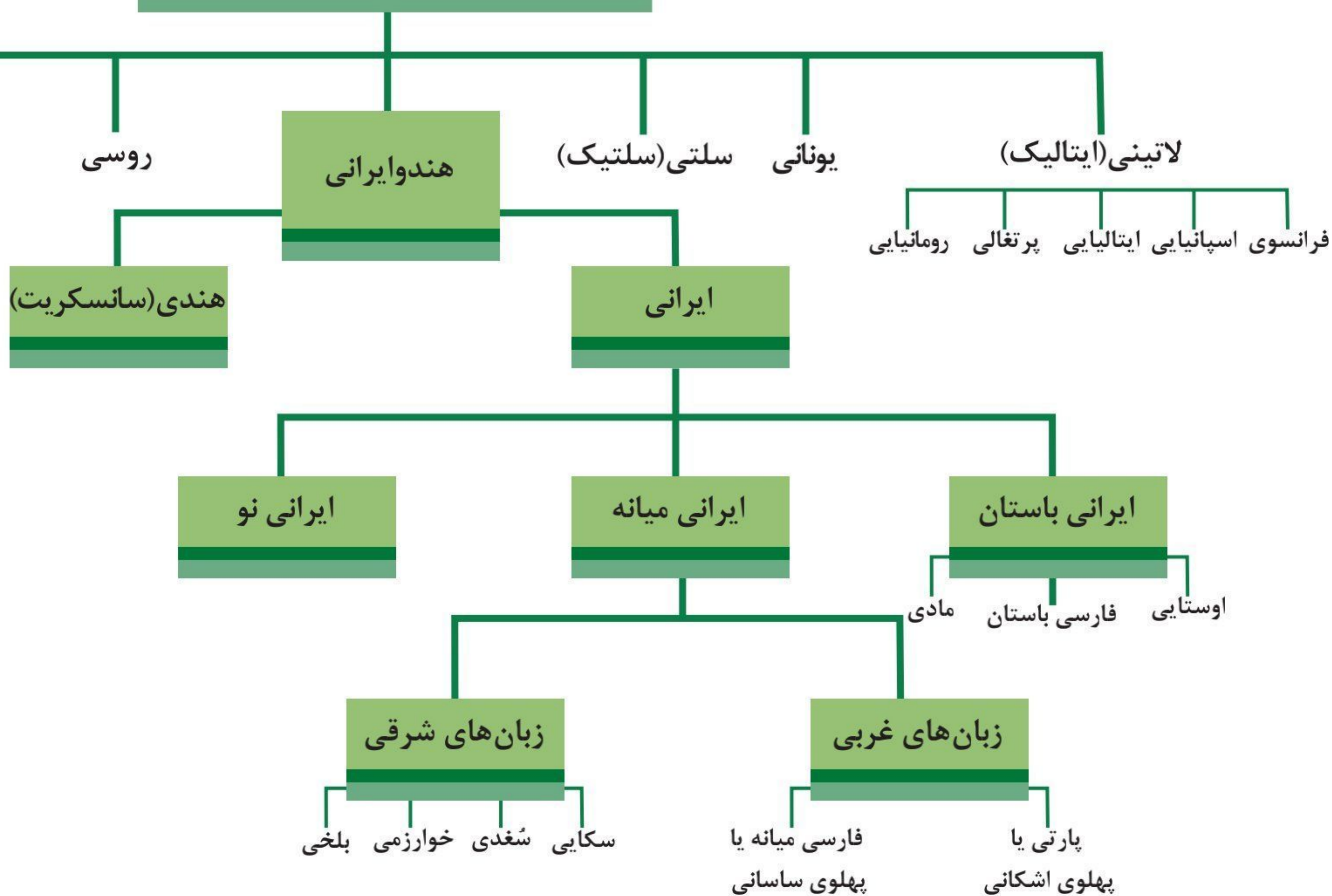
### زبان

تا مدتی پس از ورود آریاییان، همچنان رواج داشت و به‌عنوان زبان دوم نوشتاری در دوران هخامنشی از آن استفاده می‌شد. در برخی از سنگ‌نوشته‌های دوره هخامنشیان، ترجمه ایلامی نوشته‌ها نیز آمده است. علاوه بر آن، تقریباً تمامی هزاران لوح گلی کشف شده از تخت جمشید، به خط و زبان ایلامی است. (4)

درباره زبان ساکنان اولیه ایران، پیش از مهاجرت اقوام آریایی، به جز ایلامیان، اطلاعات مکتوبی وجود ندارد. (4) زبان ایلامی، که مردمان جنوب غربی فلات ایران با آن سخن می‌گفتند، زبان رسمی و نوشتاری حکومت و تمدن ایلام بود. این زبان

## 4. درباره زبان ایلامی توضیح دهید

### برخی از شاخه‌های زبان‌های هند و اروپایی





# 1. زبان های ایرانی به چه نوع زبان هایی گفته می شود؟

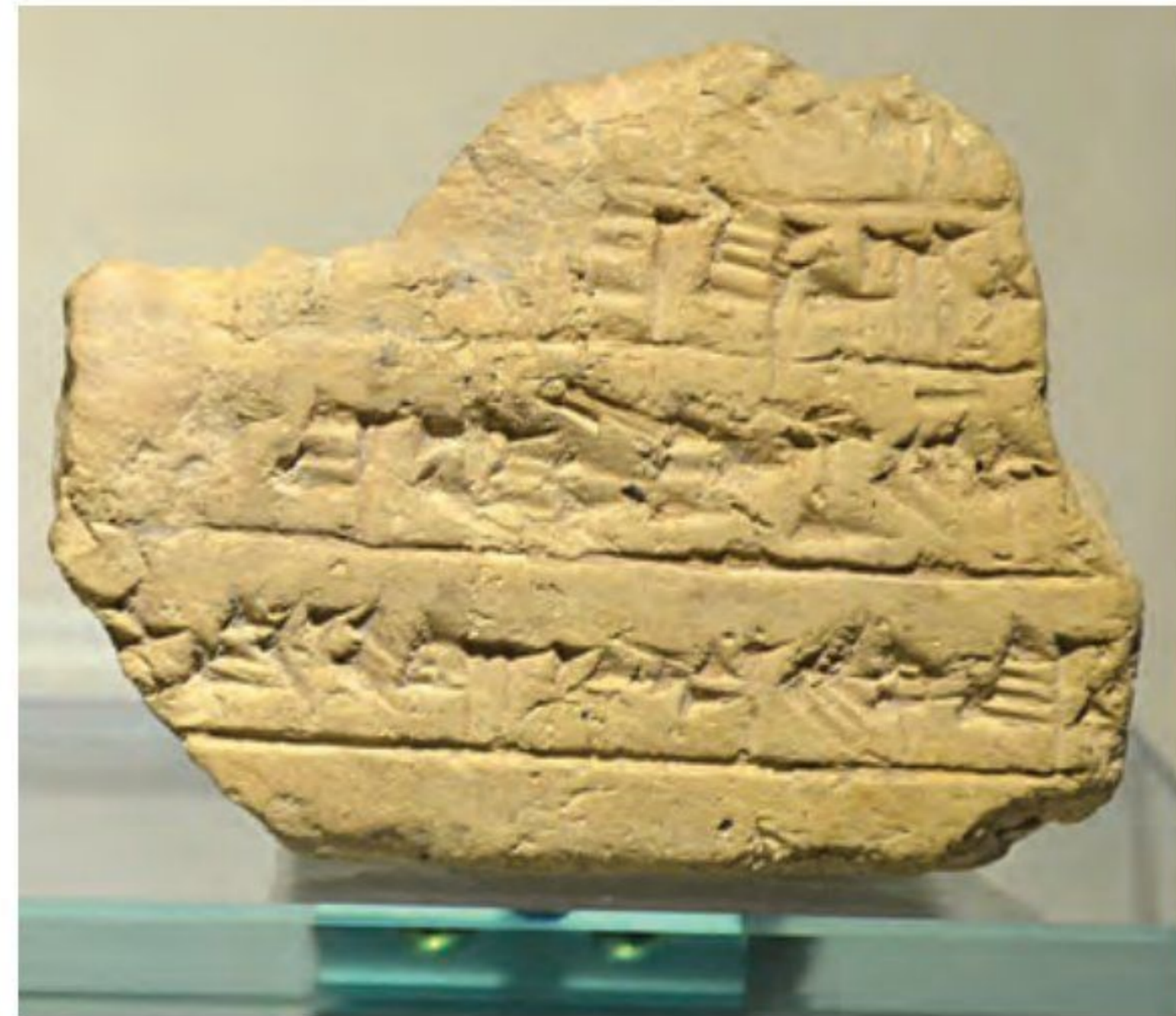
2. زبان شناسان مراحل تغییر و تحول زبان های ایرانی را از آغاز تاکنون به چند دوره تقسیم کرده اند؟  
3. زبان های کهن ایرانی در چه دوره ای در ایران رواج داشته است؟

## فعالیت ۱

به نظر شما استفاده از زبان های ایلامی و بابلی در اسناد رسمی هخامنشیان، نشان دهنده کدام ویژگی حکومت هخامنشی است؟

4. از چه زبان هایی آثار مکتوبی بر جای مانده است؟  
5. مهم ترین مدارک برجای مانده از زبان فارسی باستان چیست؟

- تاکنون به سه دوره زبان های کهن، میانه و نو تقسیم کرده اند. (2)  
زبان های کهن ایرانی از قدیمی ترین زمان تا پایان هخامنشیان (330 ق.م.) در مناطق مختلف فلات ایران رواج داشته اند. (3)  
مآخذ باستانی به تعدادی از این زبان ها اشاره شده است که از میان آنها (تنها از دو زبان فارسی باستان و اوستایی آثار مکتوبی برجای مانده است) (4)  
فارسی باستان، نیای زبان فارسی امروزی و زبان قوم پارس بوده و در دوره هخامنشی به آن سخن می گفته اند (مهم ترین مدارک بر جای مانده از زبان فارسی باستان، سنگ نوشته های پادشاهان هخامنشی است که به خط میخی نوشته شده اند.) (5)



نمونه ای از لوح های گلی به خط میخی ایلامی. این خط با حدود ۱۳۰ نشانه از خط میخی اکدی اقتباس شده بود و از چپ به راست نوشته می شد. این خط در دوران هخامنشی همچنان رایج بود.

𐎧 𐎡 𐎠 𐎢 𐎣 𐎤 𐎥 𐎦 𐎧 𐎨 𐎩 𐎪 𐎫 𐎬 𐎭 𐎮 𐎯 𐎰 𐎱 𐎲 𐎳 𐎴 𐎵 𐎶 𐎷 𐎸 𐎹 𐎺 𐎻 𐎼 𐎽 𐎾 𐎿	ش او و ی ز ا د م د ا	(دائرة و هوش = داریوش) (آدم = من)
𐎧 𐎡 𐎠 𐎢 𐎣 𐎤 𐎥 𐎦 𐎧 𐎨 𐎩 𐎪 𐎫 𐎬 𐎭 𐎮 𐎯 𐎰 𐎱 𐎲 𐎳 𐎴 𐎵 𐎶 𐎷 𐎸 𐎹 𐎺 𐎻 𐎼 𐎽 𐎾 𐎿	ف ز و ا ی ت ی ا ش خ	(وزیرک = بزرگ) (خشیانی به = شاه)
𐎧 𐎡 𐎠 𐎢 𐎣 𐎤 𐎥 𐎦 𐎧 𐎨 𐎩 𐎪 𐎫 𐎬 𐎭 𐎮 𐎯 𐎰 𐎱 𐎲 𐎳 𐎴 𐎵 𐎶 𐎷 𐎸 𐎹 𐎺 𐎻 𐎼 𐎽 𐎾 𐎿	م ا ن ا آ ای ت ی ا ش خ	(خشیانی آنام = شاهان) (خشیانی به = شاه)
𐎧 𐎡 𐎠 𐎢 𐎣 𐎤 𐎥 𐎦 𐎧 𐎨 𐎩 𐎪 𐎫 𐎬 𐎭 𐎮 𐎯 𐎰 𐎱 𐎲 𐎳 𐎴 𐎵 𐎶 𐎷 𐎸 𐎹 𐎺 𐎻 𐎼 𐎽 𐎾 𐎿	ی ای س ز ا ب ا ی ت ی ا ش خ	(بارتنی = در پارس) (خشیانی به = شاه)
𐎧 𐎡 𐎠 𐎢 𐎣 𐎤 𐎥 𐎦 𐎧 𐎨 𐎩 𐎪 𐎫 𐎬 𐎭 𐎮 𐎯 𐎰 𐎱 𐎲 𐎳 𐎴 𐎵 𐎶 𐎷 𐎸 𐎹 𐎺 𐎻 𐎼 𐎽 𐎾 𐎿	م ا ن و ی ا ی ت ی ا ش خ	(دغینونام = کشورها) (خشیانی به = شاه)
𐎧 𐎡 𐎠 𐎢 𐎣 𐎤 𐎥 𐎦 𐎧 𐎨 𐎩 𐎪 𐎫 𐎬 𐎭 𐎮 𐎯 𐎰 𐎱 𐎲 𐎳 𐎴 𐎵 𐎶 𐎷 𐎸 𐎹 𐎺 𐎻 𐎼 𐎽 𐎾 𐎿	س و ب ی ا ب س ا ت ش وی	(بسته = پسر) (وشتاسبیه یا = گشتاسب را)
𐎧 𐎡 𐎠 𐎢 𐎣 𐎤 𐎥 𐎦 𐎧 𐎨 𐎩 𐎪 𐎫 𐎬 𐎭 𐎮 𐎯 𐎰 𐎱 𐎲 𐎳 𐎴 𐎵 𐎶 𐎷 𐎸 𐎹 𐎺 𐎻 𐎼 𐎽 𐎾 𐎿	ا ب ن ا ی ا م ا ت ز ا	(نبا = نوه) (ارشامنه یا = ارشامه را)
𐎧 𐎡 𐎠 𐎢 𐎣 𐎤 𐎥 𐎦 𐎧 𐎨 𐎩 𐎪 𐎫 𐎬 𐎭 𐎮 𐎯 𐎰 𐎱 𐎲 𐎳 𐎴 𐎵 𐎶 𐎷 𐎸 𐎹 𐎺 𐎻 𐎼 𐎽 𐎾 𐎿	ی ای ش ای ن م ا ش خ	(هخامنشیه = هخامنشی)

سه سطر از سنگ نوشته بیستون با آوا نویسی و ترجمه



پس از استقرار تدریجی آریایی ها در ایران، زبان ها و گویش های گوناگونی که شباهت های بسیاری به یکدیگر داشتند و زبان شناسان آنها را «زبان های ایرانی» می نامند، متداول شد (1) زبان های ایرانی، شاخه ای از گروه زبان های «هندوایرانی» به شمار می روند که اقوام هندی و ایرانی، پیش از جدا شدن از یکدیگر و سکونت در هند و ایران، با آن تکلم می کردند (1) شاخه هند و ایرانی نیز خود یکی از شاخه های گروه بزرگ «زبان های هند و اروپایی» به حساب می آید.

زبان های ایرانی در طول تاریخ دچار تغییر و تحول شده اند. زبان شناسان مراحل تغییر و تحول زبان های ایرانی را از آغاز

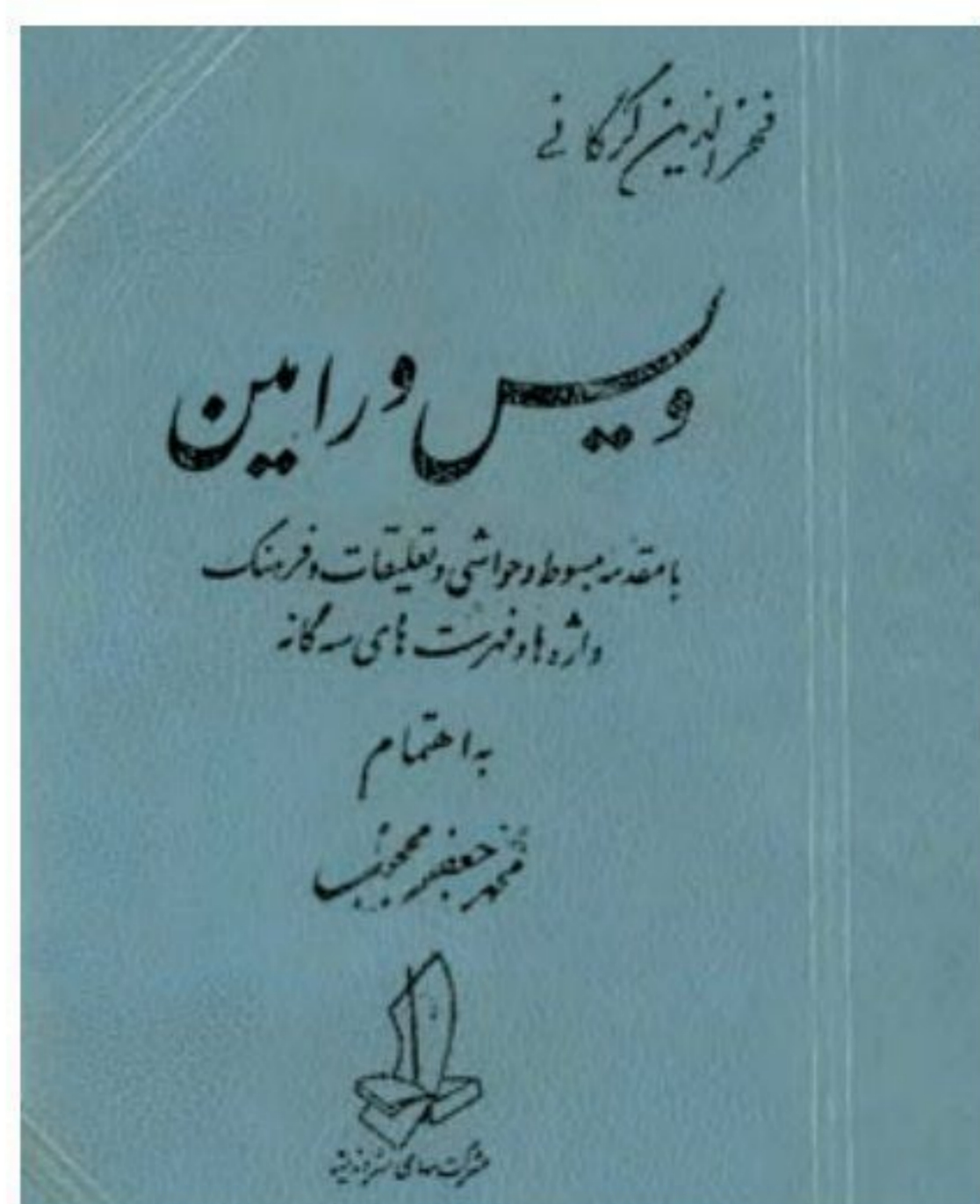


# 1. مردمان نواحی شرقی ایران به چه زبان سخن می گفتند؟ اوستایی 2. کتاب دینی زرتشتیان به چه زبانی نوشته شده است؟ اوستایی

3. زبان های ایرانی دوره میانه در چه دوره های در مناطق مختلف ایران متداول بود؟

4. در مناطق شمال و شمال شرق ایران چه زبانی متداول بود؟

5. در نواحی جنوب و جنوب غربی ایران چه زبانی رایج بود؟ اوستایی، زبانی بوده که مردمان بخشی از نواحی شرقی ایران به آن سخن می گفته اند. کتاب دینی زرتشتیان، اوستا، به این زبان نوشته شده است. از این زبان جز کتاب اوستا و آثار مربوط به آن، اثر دیگری برجا نمانده است.



منظومه عاشقانه ویس و رامین، اصل و ریشه پارتی دارد.

3) زبان های ایرانی دوره میانه، تقریباً از زمان سقوط هخامنشیان تا فروپاشی حکومت ساسانیان (۶۵۱ م. ۳۱۱ ق.) و حتی قرون نخستین اسلامی، در مناطق مختلف ایران متداول بودند. از این گروه زبان ها آثار بیشتری به جا مانده است.

4) زبان پارتی یا پهلوی اشکانی، در مناطق شمال و شمال شرق ایران متداول بود و زبان رسمی و درباری حکومت اشکانیان به شمار می رفت. (4) زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی که دنباله زبان فارسی باستان به حساب می آید، در نواحی جنوب و جنوب غربی ایران رایج بود و زبان رسمی و درباری حکومت ساسانی شمرده می شد. (5) زبان های ایرانی نو، به زبان هایی گفته می شود که در دوران اسلامی به تدریج در مناطق مختلف ایران رواج یافتند. (6)

6. زبانهای ایرانی نو به چه نوع زبان هایی گفته می شود؟

7. چرا در ایران باستان نوشتن متن های ادبی و دینی چندان معمول نبود؟

7) در ایران باستان، نقل شفاهی داستان ها و تعالیم دینی و ادبی، بر کتابت و نوشتن ترجیح داده می شد. از این رو، نوشتن متن های ادبی و دینی، چندان معمول نبود و تنها اسناد مربوط به سیاست و تا حدودی اقتصاد را کتابت می کردند. مورخان یونانی به داستان های حماسی و عاشقانه مادی و نیز برخی اشعار آن دوره اشاره کرده اند که به صورت شفاهی نقل می شده است. از گزارش های همین مورخان معلوم می شود که در زمان هخامنشیان، قصه های متعددی

به زبان فارسی باستان وجود داشته و مردم آنها را از حفظ می خوانده اند. از آن جمله است «هزار افسان» که داستان مشهور «هزار و یک شب» بر اساس آن شکل گرفته است. از دوره اشکانیان نیز تقریباً هیچ نوشته ادبی به زبان و خط پارتی بر جا نمانده است، اما شواهد بسیاری دلالت بر وجود ادبیات شفاهی پُرباری در آن دوره دارد. (8) در زمان حکومت اشکانی، نقل داستان های ملی و پهلوانی، رواج فراوان یافت و شاعران و موسیقی دانان دوره گردی که به گوسان ها معروف بودند، با شور و هیجان بسیار، این داستان ها را از حفظ برای مردم می خواندند. در حقیقت، این گوسان ها بودند که داستان های ملی و پهلوانی را سینه به سینه به نسل های بعدی منتقل کردند. (8) این داستان ها بعدها در تدوین خدای نامه ها و سرودن شاهنامه توسط فردوسی مورد استفاده قرار گرفتند. سنت نقالی و قصه گوئی حتی پس از تدوین خدای نامه و شاهنامه، همچنان در ایران تا دوران معاصر ادامه یافته است.

## 8. در دوره اشکانیان گوسان ها چه کسانی بودند؟

### فعالیت ۲

به نظر شما چه ارتباطی می تواند میان گسترش داستان های حماسی و پهلوانی با شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم بر اوایل دوران حکومت اشکانیان، وجود داشته باشد؟

به نظر برخی زبان شناسان، منظومه های داستانی «درخت آسوریک» و «یادگار زریران» که در قرن ۵ م. به خط و زبان







# 1. وضعیت آموزش و پرورش در ایران باستان چگونه بود؟

## آموزش

ایرانیان باستان به تعلیم و تربیت و پرورش فرزندان دانا، پرهیزگار، دلیر، بردبار، فرمانبر و سخت کوش توجه جدی داشتند. آیین و فرهنگ ایرانی نیز بر اهمیت تربیت و ارزش دانایی و خردورزی تأکید می کرد. آموزش و پرورش در ایران باستان ابعاد گسترده ای داشت و شامل تربیت جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، دینی، شغلی و حرفه ای می شد. (1)

1) درباره وضعیت تعلیم و تربیت در دوران پیش از ساسانیان اطلاعات کامل و دقیقی در دست نداریم. گزارش و آگاهی های پراکنده ای که در آثار نویسندگان یونانی معاصر با هخامنشیان آمده است، بیشتر بازتاب دهنده شیوه تعلیم و تربیت فرزندان خاندان شاهی و درباریان است، ولی از دوره ساسانیان، به دلیل باقی ماندن آثار و منابع مکتوب متعدد، اطلاعات قابل توجهی درباره وضعیت و شرایط تعلیم و تربیت وجود دارد.

## بررسی شواهد و مدارک

**متن ۱:** «ای اهوره مزدا، فرزندی به من ارزانی فرما که با تربیت و دانا باشد .... و به وظیفه خود عمل نماید. فرزند دلیری که نیاز دیگران را بر آورد، فرزندی که بتواند در ترقی و سعادت خانواده، شهر و کشور خود بکوشد». (خرده اوستا، ص ۱۳۴)

**متن ۲:** هرودت می نویسد: «سن تربیت در میان پارسیان بین پنج تا بیست و پنج است و سه چیز را به فرزندان خویش می آموزند: اسب سواری، تیر اندازی و راست گویی».

**متن ۳:** در برخی اندرزنامه هایی که به خط و زبان پهلوی ساسانی باقی مانده، مطالب ارزشمندی درباره آموزش و پرورش دوره باستان وجود دارد. گزیده یکی از آن اندرزنامه ها که حاوی پرسش هایی در موضوع اهداف تعلیم و تربیت است، با اندکی تلخیص نقل می شود:

«هر مردم که به سن پانزده رسد، پس او را این چند چیز ببايد دانستن که: کیم؟ و خویش کیم؟ و از کجا آمده ام؟ و باز به کجا شوم؟ و از کدام پیوند و ریشه ام؟ وظیفه و تکلیفم در گیتی چیست؟ از مینو آمده ام یا به گیتی بوده ام؟ انسان هستم یا دیو؟ دینم کدام است؟ سود و زیانم چیست؟ دوست و دشمنم کیست؟».

## فعالیت ۴

الف - متن های شماره ۱، ۲ و ۳ به کدام یک از ابعاد تعلیم و تربیت اشاره می کنند؟  
ب - با همفکری بگویید متن شماره ۳ شما را به یاد کدام یک از شعرهای مولانا می اندازد؟ دیوان غزلیات شمس را به کلاس بیاورید و آن شعر را بخوانید.

## 2. تعلیم و تربیت در ایران باستان در چند مرحله انجام می شد؟

2) تعلیم و تربیت در چند مرحله انجام می گرفت. کودکان تا پنج یا هفت سالگی در درون خانواده پرورش می یافتند و مادران نقش مهمی در آشنایی فرزندان خود با آداب (3) و رسوم خانوادگی، اجتماعی، دینی و میهنی و آموختن راه و رسم پسندیده زندگی به آنان داشتند. مراحل بعدی آموزش و پرورش اغلب در خارج از خانه و در مدرسه و یا آموزشگاه انجام می گرفت. (2) به نظر بسیاری از محققان، در عهد باستان و مخصوصاً در زمان ساسانیان، تنها فرزندان خاندان شاهی، درباریان، اشراف و موبدان می توانستند به مدرسه بروند و تحصیل کنند، ما برای

## 3. وضعیت تعلیم و تربیت در دوره ساسانیان چگونه بود؟



# 1. برنامه های آموزشی مدارس در دوره ساسانیان چگونه بود؟

## 2. وضعیت پیشرفت علم و فرهنگ در دوره ساسانیان و بررسی کنید؟

### یک توضیح



از عصر ساسانی، بعضی متن های آموزشی به زبان پهلوی باقی مانده است: اثری به نام گزارش شطرنج که راهنمای تعلیم بازی شطرنج و نرد در قالب یک قصه خیالی است؛ آیین نامه نویسی که راهنمای نوشتن نامه های حکومتی به مقامات و افراد مختلف بوده است؛ و سور سخن که راهنمای سخن گفتن در جشن ها و مهمانی هاست.

صاحب منصبان حکومتی زیر نظر مرتبان، انواع ورزش ها از جمله سوارکاری را فرا می گرفتند (3)

### علوم و مراکز آموزش عالی

اگرچه در ایران باستان با نام فیلسوفان و دانشمندان مشهوری همچون افلاطون، ارسطو و بقراط رو به رو نمی شویم، اما از مندرجات اوستا، شاهنامه، کتیبه ها و گزارش های تاریخ نویسان یونانی و رومی، می توان استنباط کرد که دانش و فرهنگ ایرانیان در سطح بالایی بوده است.

در کتاب اوستا مطالب گوناگونی درباره ارزش دانش و بزرگداشت دانشمندان وجود دارد. در این کتاب، فصلی به دانش اختصاص یافته و در آن مطالبی درباره پزشکی، دامپزشکی، ستاره شناسی، حکمت، امور اجتماعی و حقوقی و علوم طبیعی بیان شده است. همچنین ایران در دوران هخامنشیان، مرکز دانش ها و مبادلات فرهنگی بین کشورهای متمدن زمان بود و علوم و فنون بین النهرین، مصر، ایلام، هند و آسیای صغیر که جزء قلمرو این شاهنشاهی بودند، با دانش های ایرانی آمیخته شدند. مندرجات کتیبه ها و پاره ای از گزارش های مورخان یونانی، به روشنی نشان می دهد که خاندان هخامنشی، پشتیبان و مشوق جدی دانش و هنر بوده اند.

پیشرفت علمی و فرهنگی ایران در دوره ساسانی، به مراتب بیشتر از دوره های قبل بود. شهریاران ساسانی به نشر علوم و بزرگداشت دانشمندان و رفاه حال آنان، علاقه و توجه زیادی داشتند. ایرانیان همواره علاقه مند بودند که از دانش و دستاوردهای علمی مردم دیگر سرزمین ها استفاده کنند (2)

فرزندان توده مردم از قبیل کشاورزان، پیشه وران و صنعتگران این امکان فراهم نبود که در مدارس و آموزشگاه های آن دوره درس بخوانند. اینان به طور معمول، حرفه پدران خود را می آموختند. شواهدی وجود دارد که نشان می دهد برخی گروه های اجتماعی مانند پیشه وران و بازرگانان در ایران باستان، مخصوصاً در دوره ساسانیان، تلاش می کردند تا فرزندان شان بتوانند در مدرسه تحصیل کنند.

بنا به نوشته کریستن سن، نویسنده کتاب «ایران در زمان ساسانیان»، گروه بسیاری از بازرگانان شهرها، دست کم، خواندن، نوشتن و حساب می دانسته اند.

قسمتی از برنامه های آموزشی و مواد درسی مدارس و آموزشگاه ها از قبیل آموختن اصول دین زرتشتی، فراگیری آداب و رسوم دینی و میهنی و مختصری خواندن و نوشتن، همگانی بود. علاوه بر آن، برای گروه های مختلف، آموزش های ویژه ای وجود داشت؛ مثلاً شاهدگان و فرزندان صاحب منصبان سیاسی و نظامی، به فراگیری دانش های سیاسی، کشورداری، فنون رزمی و گاهی زبان های خارجی می پرداختند؛ فرزندان موبدان، تعلیمات دینی و اوستایی را آموزش می دیدند و فرزندان دبیران نیز خط، زبان، ادبیات و حساب را می آموختند (1)

در دوران ساسانی، آموزگاری، به عنوان یک شغل رسمی، به موبدان اختصاص داشت. آنان بر معارف دین زرتشتی، ادبیات پهلوی و برخی دیگر از علوم زمان خود تسلط داشتند. اداره آموزشگاه ها و مدارس نیز عموماً در اختیار موبدان بود. با این حال، کودکان و جوانان خاندان شاهی و



1. از برجسته ترین مراکز علمی جهان باستان را نام ببرید در کدام شهر و در چه دوره ای به وجود آمد؟
2. در دانشگاه جندی شاپور چه دانش های آموزش داده می شد؟

بررسی شواهد و مدارک	اندرز اردشیر به مردم در شاهنامه
دگر آنکه دانش مگیرید خوار	اگر زیر دستید اگر شهریار
... زمانی میاسای از آموختن	اگر جان همی خواهی افروختن
چو فرزند باشد به فرهنگ دار	زمانه ز بازی بر او تنگ دار

(گندی شاپور) پدید آمد. این شهر در حوالی دزفول کنونی در استان خوزستان قرار داشته است. در دانشگاه جندی شاپور، دانش های مختلفی مانند پزشکی، فلسفه، نجوم و الهیات تدریس می شد، اما پزشکی بیش از سایر رشته ها رونق و پیشرفت داشت و پزشکانی از ایران، هند و یونان در آنجا مشغول به کار بودند. این دانشگاه همچون دانشگاه های امروزی، دارای بیمارستانی بود که دانشجویان در کنار آموزش های نظری، در آنجا به صورت عملی با درمان بیماران آشنا می شدند. دانشگاه جندی شاپور تا قرون نخستین اسلامی به فعالیت خود ادامه داد.

از این رو، در زمان فرمانروایی خسرو انوشیروان، مبادلات فرهنگی با هند و روم گسترش یافت و در نتیجه آن، جنبش علمی نیرومندی در ایران پدید آمد. انوشیروان علاقه زیادی به مباحث فلسفی و دینی نشان می داد. او ضمن پناه دادن به تعدادی از فیلسوفان یونانی که بر اثر تنگ نظری امپراتور روم، به ایران پناهنده شده بودند، با آنان به گفت و گوی علمی پرداخت. **دانشگاه جندی شاپور:** یکی از برجسته ترین مراکز علمی جهان باستان، دانشگاهی بود که در عصر ساسانی در شهر جندی شاپور

### پرسش های نمونه

1. چهار مورد از مهم ترین زبان های ایرانی دوران باستان را فهرست کنید و دلیل اهمیت هر یک از آنها را بیان کنید.
2. به نظر شما چرا آثار ادبی مکتوبی از دوران هخامنشیان و اشکانیان بر جا نمانده است؟ (دو دلیل ذکر کنید)
3. گوسان ها چه نقش فرهنگی ای در تاریخ ایران در عصر اشکانیان داشتند؟
4. مهم ترین اهداف تعلیم و تربیت در ایران باستان چه بوده است؟
5. با توجه به مطالبی که در درس ۱۲ در باره ویژگی های نظام طبقاتی عصر ساسانی خواندید، چه ارتباطی میان این نظام با آموزش و تحصیل وجود داشته است؟